موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

فراگیری و عمومیت بعثت

در گفتار قبل مساله عمومیت نبوت و پیامبری را بیان کرده و گفتیم اولا مقتضای حکم عقل در مورد ضرورت پیامبری، عمومیت و فراگیری آن را هم اثبات می کند. مرحوم محقق طوسی در این باره فرمودند: چون ملاک نیازمندی نبوت، عمومیت دارد، نبوت هم فراگیر و عام خواهد بود. ثانیا در آیات و روایات نیز به عمومیت هدایت الهی از طریق وحی و نبوت تصریح شده است. در ادامه گفته شد آنچه در مرحله اول بر اساس مقتضای حکم عقل لازم است، وجود حجت است.

سپس گفته شد در مساله عمومیت نبوت آنچه مطرح است این است که پیام نبوی و حجت الهی به بشر برسد اما اینکه این امر مستقیما باشد یا از طریق پیک و نماینده، بستگی به شرایط و امکانات دارد. در مواردی که شرایط فراهم است، پیام الهی مستقیما توسط نبی به مردم ابلاغ می شود و آنجا که این مساله امکان پذیر نیست، از طریق پیک و نماینده، پیام پیامبر به مردم ابلاغ می شود. این نکته را بایت توجه داشت که مقتضای عمومیت نبوت این نیست که برای هر منطقه و محلی که گروهی جداگانه زندگی می کردند، پیامبری مبعوث شود، بلکه همان طور که در قرآن کریم بیان شده در سرزمینی که شرایط مناسب تری برای پیام رسانی بوده (که از آن به ام القری تعبیر شده)، پیامبر مبعوث شده و بقیه مناطق از آنجا تغذیه می شده است: «وَ ما كانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ حَتَّى يَبْعَثَ في‏ أُمِّها رَسُولا».[[1]](#footnote-1) این شیوه یعنی بیان باواسطه و بی واسطه، سیره ای عقلایی بوده که مورد امضا و تایید شارع مقدس و خدای حکیم هم قرار گرفته است.

نکته دیگر اینکه در مناطقی که پیام های الهی بیان می شده، این امر به صورت تدریجی و بر اساس شرایط عادی و متعارف انجام می شده است. به همین خاطر احتمال این امر بوده است که تا پیام او به همه برسد، عده ای از دنیا می رفتند یا اینکه فاصله افتاده و برخی در سال های بعد از پیام های نبوت محروم شده و از دنیا می رفتند. یا حتی در مورد رسول گرامی اسلام (ص) داریم که در مدت سه سال به صورت مخفیانه پیام های الهی را می رسانده است «فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ (94) إِنَّا كَفَيْناكَ الْمُسْتَهْزِئينَ»[[2]](#footnote-2). بعد از آن هم ابتدا مامور شدند که خویشاوندان خود را دعوت کنند: «وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبين‏».[[3]](#footnote-3)

نویسنده کتاب مسیر پیامبری، تدریجی بودن بیان پیام ها را، ناقض دلیل ضرورت نبوده دانسته است اما این مساله نادرت است. نقد این سخن آن است که وقتی می خواهد معارضه ای با دلیلی شکل بگیرد، باید معارضه کننده از همان اعتباری برخوردار باشد که دلیل معارضه شونده برخوردار است. مثلا اگر دلیل ما نقلی و نص است، دلیل معارض نمی تواند دلیل ظهوری باشد. در بحث ما نیز دلیل ما بر ضرورت نبوت، حکم قطعی عقلی است، و معارضی که بیان شده فی الجمله است نه کامل و لذا نمی تواند به عنوان دلیل معارض بکار رود.

وقتی که پیامبری در مکانی با دلیل اعجاز و قطعی ثابت شود و ایشان نمایندگانی به مکان های دیگر بفرستد، کسانی که با نماینده آن پیامبر مواجه می شوند باید از وی تبعیت کنند. درست است که احتمال دارد آن نماینده، پیام را به صورت کامل نرسانده باشد، اما تسلیم بودن آنان بر تسلیم بودن کسانی که پیامبر را به صورت مستقیم می بینند، ارزشمند تر است. در روایات آمده است کسانی که در آخر الزمان که عصر غیبت است بر ایمان خود ثابت قدم می مانند بر کسانی که در عصر ظهور امام (ع) بوده اند، از ایمان بالاتر و برتری برخوردار هستند.

نکته: قاعده ای به نام قاعده ملازمه است که دو بخش دارد: ملازمه اصل که عبارت است از: «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» و ملازمه فرع که عبارت است از: «کلما حکم به الشرع حکم به العقل»، زیرا همین عقل است که شارع را حکیم می داند و آنجا که خود به آن نمی رسد، به حکم شرع تسلیم است. در مورد اصل ارسال پیامبر، عقل حکم به ضرورت می کند اما در اینکه تعداد آنها چه مقدار باید باشد و یا روش پیامبری آنها و نیز مکان هایی که پیامبر در آنها مبعوث شده اند، عقل حکمی ندارد اما به عمل شارع تسلیم می شود. مثال این مساله مثال خورشید است. همه موجودات از نور خورشید برخوردار می شوند اما بهره مندی این پدیده های طبیعی یکسان نیست و متفاوت است. برخی سریع تر و برخی دیرتر و برخی زودتر و برخی دیرتر بهره مند می شوند. اما اینکه نور خورشید برای رشد و نمو و ایجاد خاصیت ها، ضروری است، شکل نیست و وجود این تفاوت ها خللی در این اصل ایجاد نمی کند. در نظام تشریع هم، اصل وجود نبوت برای رشد و هدایت انسان ها یک ضرورت است اما اینکه بر اساس نظام تدریج، بهره مندی از ایشان متفاوت باشد، خللی به اصل ضرورت نبوت ندارد.

ادامه بحث انشاءالله در گفتار بعد دنبال می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره قصص، آیه 59 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره حجر، آیه 94 و 95 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره شعرا، آیه 214 [↑](#footnote-ref-3)